

کار آفرینی در قفس مقررات



وحید عظیم‌نیا دبیر گروه اقتصادی

معمولا هر بار که از کار آفرینی سخن گفته می‌شود، حرف‌ها از امید و آینده‌سازی پر است، اما آنچه در عمل رخ می‌دهد، کمتر شباهتی به این تصویر آرمانی دارد. مسیر کار آفرینی در ایران ما، مسیری ساده و مستقیم نیست. موانع آنچنان در تار و پود ساختار اداری و اقتصادی تنیده شده‌اند که گاهی حتی شروع یک فعالیت تولیدی، بیش از آنکه به دانش و پشتکار وابسته باشد، به عبور

از لایه‌های متعدد مجوزها، سهمیه‌ها و دستورالعمل‌ها گره می‌خورد. بزرگ‌ترین مشکل از همان نقطه آغاز یعنی زمانی که ایده‌ای تازه شکل می‌گیرد و قرار است وارد فاز اجرایی شود، شروع می‌شود. نخستین گام رسمی، دریافت مجوز است. در بسیاری از کشورها، مجوز تنها تضمینی برای رعایت حداقل‌های ایمنی و کیفیت است، اما در اینجا، مجوز نه بر پایه منطق بازار که بر اساس فهرست‌هایی از پیش تعیین‌شده صادر می‌شود. این فهرست‌ها که در قالب سامانه‌هایی مانند بهین‌باب منتشر می‌شوند، رشته‌های فعالیت و ظرفیت‌های مجاز را به شکلی محدود تعریف کرده‌اند. اگر فعالیتی در این چارچوب قرار نگیرد، امکان آغاز رسمی کار به حداقل می‌رسد. این یعنی ناواری باید پیش از رسیدن به بازار، خود را با الگوهای قدیمی تطبیق دهد یا کنار گذاشته شود، حتی اگر ایده‌ای موفق شود در قالب‌های موجود جای بگیرد و مجوز لازم را دریافت کند. تازه با مر حله دشوار بعدی یعنی تأمین مواد اولیه روبه‌رو می‌شود. بسیاری از صنایع داخلی، به دلیل ساختار پارانه‌ای یا قیمت گذاری دولتی، وابسته به سهمیه‌بندی هستند. این سهمیه‌ها نیز نه از مسیر رقابت آزاد که از طریق تصمیمات اداری و بازرزایی‌های غیر شفاف تعیین می‌شوند. بدون سهمیه، حتی مجهزترین کارخانه‌ها نیز در عمل نمی‌توانند فعالیت کنند، زیرا مواد اولیه‌ای برای استفاده در اختیار شان قرار نمی‌گیرد. در چنین شرایطی، دسترسی به سهمیه به یک امتیاز بدل می‌شود که گاه ارزش آن از توان مدیریتی یا کیفیت محصول بیشتر است و همین خود، بستری برای شکل‌گیری رانت و روابط غیررسمی ایجاد می‌کند.

مشکل به همین‌جا ختم نمی‌شود. در طول مسیر تولید، مقررات و بخشنامه‌های متعدد و گاه متناقض، نفس کار آفرین را تنگ می‌کند. دستورالعملی که امروز مجوز انجام کاری را صادر می‌کند، ممکن است فردا یا بخشنامه‌ای جدید لغو شود، حتی گاهی نهادهای مختلف هم‌زمان دستورهای صادر می‌کنند که در تضاد کامل با یکدیگرند. نتیجه چنین وضعیتی، از بین رفتن پیش‌بینی‌پذیری برای فعالان اقتصادی است. وقتی هیچ کس نمی‌تواند مطمئن باشد که شرایط قانونی و اجرایی حتی در کوتاهمدت ثابت می‌ماند، انگیزه سرمایه‌گذاری کاهش پیدا می‌کند. سرمایه‌گذار ترجیح می‌دهد سرمایه خود را به حوزه‌هایی که ریسک‌تر منتقل کنند، حتی اگر بازده کمتری داشته باشند.

ریشه این مشکلات را می‌توان در تمایل شدید دولت به کنترل و مدیریت مستقیم جست‌وجو کرد. این تمایل هم محصول تاریخ طولانی اقتصاد متمرکز و نفتی کشور است و هم ناشی از نگرانی همیشگی از بروز فساد و رانت. اما همین کنترل‌ها، خود به منبع جدیدی برای فساد و رانت بدل شده‌اند. وقتی مسیر دسترسی به مواد اولیه با دریافت مجوز به جای رقابت آزاد، از کاتال تصمیمات اداری می‌گذرد، فرصت برای استفاده از روابط و امتیازات خاص فراهم می‌شود. این خرجه باعث می‌شود بسیاری از کارآفرینانی که جای تمرکز بر بهبود محصول و افزایش بهره‌وری، ناچار شوند بخش قابل توجهی از انرژی و منابع خود را صرف تعامل با سازکارهای اداری کنند.

پیامد چنین ساختاری، فراتر از دشواری‌های فردی کارآفرینان است. کاهش نیروی و محدودشدن رقابت، کیفیت محصولات را پایین می‌آورد و بازار داخلی را از بهبود مستمر محروم می‌کند. در چنین فضایی، تولیدکننده انگیزه‌ای برای ارتقای فناوری یا کاهش قیمت ندارد، زیرا رقیب تازهای که بتواند بازار را به چالش بکشد، به‌سختی می‌تواند از سدای اداری عبور کند. این روند، وابستگی به واردات (و افزایش به‌دفعه و موجب می‌شود مصرف‌کننده داخلی مجبور شود کالاهای گران‌تر و بعضایی کیفیت‌تر را تحمل کند. در سطح کلان‌تر، بی‌ثباتی و سختی وارداندازی کسب‌وکار به خروج سرمایه و مهاجرت نیروی انسانی ماهر دامن می‌زند. افرادی که توانایی خلق ایده‌های تازه را دارند، به دنبال محیطی می‌گردند که در آن بتوانند با حداقل مانع تراشی اداری، ایده خود را به محصول و بازار برسانند. این خروج سرمایه و نیروی انسانی، مستقیما به کاهش توان رقابتی اقتصاد ملی منجر می‌شود.

برون‌رفت از این وضعیت نیازمند تغییرات جدی در رویکرد است. حذف فهرست‌های محدودکننده و اجازه فعالیت به هر ایده‌ای که با استانداردهای ایمنی و محیط زیست سازگار است، یکی از گام‌های اساسی است. توزیع مواد اولیه نیز باید از کنترل‌های سهمیه‌ای فاصله بگیرد و به‌جای آن، از طریق بازار شفاف و رقابتی انجام شود. تثبیت مقررات و پرهیز از تغییرات ناگهانی، شرط دیگری است که بدون آن هیچ برنامه‌ریزی اقتصادی ممکن نخواهد بود. دولت نیز باید به جای مدیریت روزمره واحدهای تولیدی، نقش خود را به نظارت و تضمین سلامت رقابت محدود کند.

کار آفرینی زمانی جان می‌گیرد که مسیر آن بر پایه اعتماد، آزادی عمل و پیش‌بینی‌پذیری بنا شده باشد. مقررات و سازوکارهای نظارتی اگر درست طراحی شوند، می‌توانند این بستر را تقویت کنند، اما وقتی به جای تسهیل، به مانع تبدیل شوند، نتیجه‌ای جز رکود و فرسایش توان تولید به دنبال نخواهند داشت. آنچه امروز نیاز است، بازنگری شجاعانه در این ساختارهاست تا کارآفرینان بتوانند بدون هدر دادن انرژی در پیچ‌ونچ اداری، تمام توان خود را صرف رقابت و نوآوری کنند. تنها چنین شرایطی است که می‌توان به ایده‌ای یا تولیدی پویا، اشتغال پایدار و اقتصاد مقاوم امیدوار بود. این بازسازی‌ها نه فقط برای حمایت از کارآفرینان، بلکه برای سالم‌سازی کل فضای اقتصادی ضروری است. اقتصاد زمانی شکوفا می‌شود که انرژی فعالیتش صرف رقابت و رقابت می‌شود، نه در صورتی که می‌توان به ایده‌ای یا تولیدی وابسته به اشتغال تولیدکننده مجبور باشد بخش بزرگی از وقت و سرمایه خود را صرف پیگیری سهمیه مواد اولیه یا گرفتن مجوز صادرات کند. طبیعی است که از توسعه خطوط تولید یا ارتقای فناوری باز می‌ماند.

موانع موجود همچنین بر رفتار بازار کار اثر می‌گذارد. کارآفرینانی که با محدودت‌های پیاپی روبه‌رو هستند، نمی‌توانند استخدام‌های بلندمدت انجام دهند. نیروی کار در چنین فضایی احساس امنیت شغلی ندارد و این بی‌ثباتی، بهره‌وری را پایین می‌آورد. علاوه بر این، هر چه موانع ورود به بازار بالاتر برود، بخش غیررسمی اقتصاد گسترش می‌یابد. کسانیی که نمی‌توانند از مسیرهای رسمی وارد شوند، ناچار به فعالیت در سایه می‌شوند؛ فعالیتی که نه مالیات می‌دهد، نه استاندارددها را رعایت و نه امنیت شغلی ایجاد می‌کند. از طرف دیگر، سرمایه‌گذاران خارجی که می‌توانستند با ورود سرمایه و فناوری، کیفیت و رقابت را بالا ببرند، در مواجهه با این شرایط محتاط می‌شوند. آنها به‌خوبی می‌دانند که در محیطی با مقررات ناپایدار، سرمایه‌گذاری بلندمدت پریسک است. نتیجه این می‌شود که کشور از فرصت جذب سرمایه خارجی محروم می‌ماند و رشد اقتصادی کندتر می‌شود. بخش خصوصی واقعی، به‌ویژه بنگاه‌های کوچک و متوسط، بیشترین آسیب را از این وضعیت می‌بینند. این بنگاه‌ها نه منابع مالی عظیم دارند که در مسیرهای اداری طولانی دوام بیاورند، نه شبکه ارتباطی گسترده برای دوزدن موانع. با این حال، آنها همان‌ها هستند که در صورت داشتن فضای آزادتری، می‌توانند بیشترین اشتغال را ایجاد کنند و ناواری را به بازار بیاورند، به همین دلیل هر بحثی درباره توسعه اقتصادی و اشتغال پایدار، بدون بهبود محیط کار آفرینی، صرفا به شعار تبدیل می‌شود.

راه رفتن روی لبه تیغ

اقتصاد ایران چگونه از رکود تورمی خلاص می‌شود؟



رصادههشیری ا جوان

برای دهک‌های کم‌درآمد ادامه دارد.

نرخ تورم، رشد اقتصادی و تورم تولیدکننده در تیرماه، تصویری واضح از رکود تورمی در اقتصاد کشور نشان می‌دهد. مدیریت رکود تورمی یک چالش اقتصادی دشوار است، زیرا ترکیبی از دو پدیده متضاد است و حکم راه رفتن بر لبه تیغ را دارد. پرسش این است، این شرایط دشوار چگونه می‌تواند مدیریت شود؟ تورم افسارگسیخته و رشد ناچیز اقتصاد همانند اده‌هایی دوسر اقتصاد ایران را درگیر کرده است.

ریشه این مشکلات چندلایه و راه عبور از این شرایط دشوار اصلاحات ساختاری است. ■ ■ ■

نرخ تورم سالانه در تیرماه امسال به‌دلیل مرکز آمار به ۳۵/۲ درصد رسیده که نسبت به خردادماه ۸/۰ درصد افزایش داشته است. تورم نقطه‌به‌نقطه نیز نسبت به سال گذشته، به ۱۲/۱ درصد رسیده، معنای ساده‌دش این است که خانوارها برای همان سبد کالاها و خدماتی که یک سال پیش خریداری می‌کردند، حالا باید ۱۲/۱ درصد بیشتر هزینه کنند. تورم ماهانه نیز به ۲۳/۵ درصد، در بخش «خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات» به ۵۱/۵ درصد و در «کالاهای غیر خوراکی و خدمات» به ۲/۶ درصد رسیده است. در بخش مسکن، تورم سالانه ۲۸/۱ درصد، تورم نقطه‌به‌نقطه ۳۵/۶ درصد و تورم ماهانه ۲ درصد گزارش شده که هرچند نسبت به خردادماه اندکی کاهش یافته، اما همچنان بالااست.

این ارقام نشان می‌دهند فشار تورمی، به‌ویژه

پایین‌ترین نرخ تورم نقطه‌به‌نقطه نشان‌دهنده فروکش کردن تقاضا، حاشیه‌سود پایین و احتمال رکود در این صنعت است. این صنایع اغلب شامل کالاهای غیر ضروری و تزئینی هستند. تورم سالانه نیز نشان می‌دهد در دوره ۱۲ ماهه منتهی به خرداد ۱۴۰۴، چه میزان افزایش قیمت در صنایع رخ داده که میانگین تورم سالانه کل بخش صنعت ۳۴/۴ درصد گزارش شده است.

در این بخش نیز ساخت انواع آشامیدنی‌ها با رشد ۵۰ درصدی همچنان در صدر بوده که نشان‌دهنده روند مستمر افزایش قیمت‌ها در این گروه طی یک‌سال گذشته است. چنین عددی نشان می‌دهد کنترل هزینه در این صنعت تقریبا غیرممکن شده است. کمترین تورم سالانه مربوط به ساخت سایر مصنوعات با رشد ۲۱/۶ درصدی است؛ این گروه از صنایع که به‌وضوح در حالت رکودی قرار گرفته‌اند. احتمالا با کاهش تقاضا، کاهش ظرفیت تولید و حاشیه سود پایین روبه‌رو هستند.

در مجموع اطلاعات آماری نشان می‌دهد صنایع خوراکی و آشامیدنی در تمام شاخص‌ها (ماهانه، نقطه‌ای، سالانه) پیش‌تاز رشد قیمت هستند. این روند اگر ادامه یابد، می‌تواند تأثیر مستقیمی بر سفره مردم و امنیت غذایی کشور گذارد. از طرف دیگر، صنایعی مثل تجهیزات حمل‌ونقل، فرآورده‌های نفتی و مصنوعات، در حالت رکود قرار دارند و نیازمند حمایت فوری برای خروج از وضعیت ایستا هستند.

■ **چه باید کرد؟**

اگر چه سیاست‌های انقباضی برای کنترل

|| چهارشنبه ۲۲ مرداد ۱۴۰۴ | ۱۹ صفر ۱۴۴۷ |

پر مصرف‌ها یارانه کمتری می‌گیرند

مشترک‌کانی که مصرف برق آنها از الگوی تعیین‌شده فراتر رود، نه‌تنها باید هزینه بیشتری بپردازند، بلکه یارانه دریافتی‌شان نیز کاهش خواهد یافت. برای مثال اگر یک مشترک تا ۱۰ برابر الگو برق مصرف کند (معادل ۲هزار کیلووات ساعت در ماه)، نرخ نهایی برق او به حدود ۵هزار تومان به ازای هر کیلووات ساعت خواهد رسید که معادل پنج برابر هزینه تأمین برق است. چنین مشترکی در نهایت باید بیش از ۱۵میلیون تومان در ماه پرداخت کند.

به گزارش توانیر، مدیرکل دفتر مدیریت انرژی و برنامه‌ریزی امور مشترکان شرکت توانیر به مشترکان پر مصرف هشدار داد: مشترکانی که مصرف آنها کمتر از الگو باشد، مشمول حمایت‌های قیمتی و دریافت کامل یارانه خواهند شد، اما اگر مصرف از سقف الگو عبور کند، تعرفه به‌صورت پلکانی و تصاعدی محاسبه می‌شود.

عبدالمیرباقوتی با بیان اینکه بر اساس تغییرات تعرفه‌ای در اسفند سال گذشته، نرخ برق برای پر مصرف‌ها چشمتی قابل توجهی دارد، گفت: برای مثال اگر یک مشترک تا ۱۰ برابر الگو برق مصرف کند (معادل ۲هزار کیلووات ساعت در ماه)، نرخ نهایی برق او به حدود ۵هزار تومان به ازای هر کیلووات ساعت خواهد رسید که معادل پنج برابر هزینه تأمین برق است. چنین مشترکی در نهایت باید بیش از ۱۵ میلیون تومان در ماه پرداخت کند. مدیرکل دفتر مدیریت انرژی و امور مشترکان توانیر تأکید کرد: هم‌اکنون کمتر از نیم درصد مشترکان کشور در گروه پر مصرف‌های بسیار بالا قرار دارند، اما همین تعداد اندک، فشار زیادی به شبکه وارد می‌کنند. هدف از این سیاست، تغییر رفتار مصرفی این گروه و ایجاد عدالت در توزیع یارانه انرژی است.

باقوتی با اشاره به رشد مصرف در ماه‌های گرم سال گفت: در شرایط ناترازی تولید و مصرف برق، هر کیلووات ساعت صرفه‌جویی، به پایداری شبکه کمک می‌کند؛ از این‌رو توصیه می‌شود همه مشترکان با رعایت توصیه‌های بهینه‌سازی، مصرف خود را مدیریت کنند.

■ **کاهش مصرف برق در تعطیلاتی هفته گذشته**

منتج به ذخیره‌سازی آب نیروگاه‌های برق‌بای شد

همچنین معاون هماهنگی توزیع توانیر با قدرندانی از همراهی مشترکان بخش‌های مختلف در مصرف بهینه برق اعلام کرد: کاهش مصرف برق در پی تعطیلات هفته گذشته، فرصت ذخیره‌سازی دو روزه انرژی در نیروگاه‌های برق‌بای را فراهم کرد.

محسن ذبیحی ضمن تشکر ویژه از همراهی و همکاری مشترکان خانگی، تجاری، کشاورزی، صنعتی و اداری در تأمین پایداری شبکه اظهار داشت: خامان ششما در صنعت برق کشور با تمام توان در حال تلاش هستند شرایط اوج مصرف را به بهترین شکل مدیریت و برق پایدار را برای تمامی مشترکان تأمین کنند.

وی از مردم درخواست کرد همکاری خود را در مدیریت مصرف برای عبور موفق از ادامه روزهای اوج مصرف تابستان ادامه دهند.

ذبیحی افزود: روز گذشته تغییر محسوسی در دمای هوا نسبت به روزهای قبل مشاهده نشد و به همین دلیل وضعیت مصرف و بار شبکه مشابه بقی قابل ماند. انتظار می‌رود با کاهش دما در هفته‌های پیش‌رو، تقاضای مصرف و متناسب با آن، میزان مدیریت مصرف نیز کاهش یابد.

معاون هماهنگی توزیع توانیر با اشاره به تأثیر تعطیلات اخیر بر مصرف برق گفت: تعطیلاتی روز چهارشنبه گذشته و تأثیر آن در روزهای پنج‌شنبه و جمعه، باعث کاهش محسوس مصرف برق شد و این موضوع امکان ذخیره دو روزه انرژی در نیروگاه‌های برق‌بای را فراهم کرد که در هفته‌های آینده به مصرف مشترکان تأمین رسد.

■ **افتتاح ۹ نیروگاه خورشیدی به ظرفیت ۱۰۰مگاوات از سوی رئیس‌جمهور**

وزیر نیرو از آغاز و بهره‌برداری مجموعه‌ای از پروژه‌های بزرگ نیروگاه‌های خورشیدی در کشور با ارتباط بر خط رئیس‌جمهور خبر داد و گفت: مجموعه این اقدامات گامی مهم در مسیر گسترش انرژی‌های تجدیدپذیر به شمار می‌رود.

روز گذشته هم‌زمان با روز حمایت از صنایع کوچک با از تباط برخط رئیس‌جمهور و مدیران ارشد وزارت نیرو و محل پروژه‌ها، آیین افتتاح و آغاز احداث ۳۹۵ مگاوات نیروگاه خورشیدی انجام شد.

بر اساس اعلام وزیر نیرو، این پروژه‌ها شامل ۱۲ ساختگاه در چهار استان کشور (مرکزی، بوشهر، خراسان رضوی و تهران) با ظرفیت مجموع ۳۹۵ مگاوات و سرمایه‌گذاری ۱۱ هزار ۹۰۰میلیارد تومانی بخش دولتی و خصوصی است. در این طرح، ۹ نیروگاه خورشیدی به ظرفیت ۱۰۰ مگاوات در استان‌های مرکزی، بوشهر و خراسان رضوی به بهره‌برداری رسید و عملیات اجرایی سه نیروگاه دیگر با ظرفیت ۹۹۵ مگاوات در بوشهر و تهران آغاز شد.

وزیر نیرو در این برنامه تأکید کرد: برنامه‌ریزی شده است طی یک سال آینده، ۵هزار مگاوات نیروگاه تجدیدپذیر وارد مدار شود و علاوه بر آن، ساخت ۲هزار مگاوات نیروگاه بزرگ‌مقیاس و شناور نیز در دستور کار قرار دارد. این حرکت، نه تنها گامی رو به جلو در تولید انرژی پاک است، بلکه به توسعه پایدار، کاهش آلایندها و ایجاد اشتغال در کشور نیز کمک خواهد کرد.

طولانی شدن فرایند تخصیص ارز تولید را متوقف کرده است

رئیس کمیته بافندگی انجمن صنایع نساجی گفت: تخصیص ارز برای واردات مواد اولیه از یک هفته به بیش از ۱۵۰ روز رسیده و عملا تولید را متوقف کرده است. آقای علیرضاوری در گفت‌وگو با خبرگزاری صاوصیما افزود: چپس پلی استر، نخ و پنبه از جمله مواد اولیه این صنعت هستند که بیش از ۱۵۰ روز در نوبت در یافت از قرار دارند، اما هنوز ارز مورد نیاز برای واردات آنها تأمین نشده است.

وی با بیان اینکه طولانی شدن فرایند تخصیص ارز به مواد اولیه، هزینه تولید را افزایش می‌دهد و تولیدکنندگان را برای تأمین سرمایه در گردش نیز با چالش مواجه می‌کند، گفت: اگر یک کارخانه ۹۹ درصد مواد اولیه مورد نیاز خود را از بازار داخلی تأمین کند و فقط برای یک درصد مواد اولیه که باید از واردات تأمین شود، ارز دریافت نکند، امکان تولید نخواهد داشت و این موضوع به افت تولید و صادرات و رشد واردات منجر خواهد شد.

رئیس کمیته بافندگی انجمن صنایع نساجی، همچنین اختلاف نرخ ارز یارانه‌ای و بازار آزاد را منسأ واردات بی‌رویه کالاهای مشابه تولید داخل دانست و گفت: سیاست‌های غلط بانک مرکزی و در نظر گرفتن یارانه ۳۰ درصدی برای، باعث شده واردات صرفه اقتصادی پیدا کند و حتی تولیدکنندگان نیز واردات را به تولید ترجیح دهند.

وی افزود: به طور مثال، در حوزه تولید پارچه‌های پرده‌ای و رومبلی ۷۳درصد مواد اولیه داخلی و ۲۷ درصد آن از طریق واردات باید تأمین شود که تخصیص ارز آن سه تا چهار ماه طول می‌کشد و تولید به ناچار کاهش پیدا می‌کند و در این شرایط نیاز بازار از طریق واردات تأمین می‌شود.

نوری ادامه داد: این رویه باعث شده واردات پارچه‌ای که میانگین آن قبل از سال ۱۴۰۰ حدود ۳۰۰ میلیون دلار بود سال گذشته به ۹۶۴میلیون دلار برسد و ۱۷۶ هزار تن پارچه وارد کشور شود؛ در حالی که توان تولید آن سه تا چهار ماه طول می‌کشد. وی با بیان اینکه این رویه باعث شده است کل زنجیره تولید از نخ‌ریسی تا تولید پارچه منضّر شوند، افزود: اگر این میزان واردات انجام نمی‌گرفت، برای بیش از ۵۰۰ هزار نیروی کار داخلی اشتغال ایجاد می‌شد.

